

هدفمندی و پیشرفت تحصیلی «بررسی مطالعات»

ناصرالدین کاظمی حقیقی

چکیده:

در این مقاله براساس جدیدترین دستاوردهای پژوهشی، عوامل اساسی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش تحت تأثیر پنج عامل بنیادی است: ۱- آمادگی روانی ۲- سازگاری محیطی ۳- آمادگی تحصیلی ۴- هویت‌یابی شغلی ۵- خودنظم‌جویی. آمادگی روانی به پایین بودن سطح افسردگی و فعالیت‌های مخاطره‌جویانه اشاره دارد و سازگاری محیطی مستلزم وجود مهارت‌های اجتماعی است. بررسی وضعیت و نوع استعداد تحصیلی آمادگی فرد را افزایش می‌دهد و یافتن آمادگی شغلی اساس هویت حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد و راهبرد خودنظم‌جویی در برگیرنده خودباوری مثبت و انگیزه درونی نیرومند است. بررسی تحلیلی این عوامل نشان می‌دهند که اساسی‌ترین منبع پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش به میزان هدفمندی آنها بستگی دارد.

کلید واژه‌ها: آمادگی تحصیلی، آمادگی روانی، پیشرفت تحصیلی، تیزهوشی تحصیلی، خودنظم‌جویی، سازگاری، هدفمندی، و هویت شغلی.



بخش قابل ملاحظه‌ای از زندگی دانش‌آموزان مستعد و تیزهوش به «پیشرفت تحصیلی» و «بلوغ حرفه‌ای» آنها مربوط می‌شود. تحقق این امر وابسته به وجود عوامل و شرایطی است که

غالباً جنبه شخصی و فردی دارند؛ علی‌رغم آن که شرایط خانوادگی، آموزشگاهی و اجتماعی نیز از سهم برجسته خود برخوردارند. این مقاله بر پایه تازه‌ترین دستاوردهای پژوهشی، به نقش فردی دانش‌آموزان مستعد و تیزهوش توجه می‌کند. از این حیث، پنج عامل فردی به تحقق پیشرفت تحصیلی این دانش‌آموزان یاری می‌دهند.

آمادگی روانی

وجود حداقلی از شرایط روانی متعادل و آرام برای نیل به پیشرفت تحصیلی و رشد مهارت‌های حرفه‌ای ضرورت دارد. از جمله مهم‌ترین این جنبه‌ها، اجتناب از حالات افسردگی و فعالیتهای خطر جویانه است.

گرچه برخی از مطالعات نشان می‌دهند که میزان «افسردگی» دانش‌آموزان تیزهوش تحصیلی، تفاوتی با همسالان غیر تیزهوش آنها نمی‌کند؛ اما کاوشهایی نیز وجود دارند که حاکی از وجود افسردگی کمتر در میان آنها هستند:

«در یک بررسی، حالات افسردگی و وسوسه‌های خودکشی دانش‌آموزان تیزهوش تحصیلی با همسالان تیزهوش غیر تحصیلی و گروه عادی مقایسه گردید. در این بررسی، یکصد و چهل و شش دانش‌آموز تیزهوش تحصیلی در پایه‌های نهم تا یازدهم با دو گروه مقایسه‌ای مزبور شرکت جستند. بر اساس مقیاس افسردگی رینولدز (متعلق به نوجوانان) و پرسشنامه وسوسه‌های خودکشی، هیچ تفاوتی در سطح، شدت یا ماهیت آشفتگی تجربه شده، مشاهده نگردید.»^(۲)

«در مقایسه یکصد و پنجاه و چهار کودک تیزهوش پیشرفته تحصیلی با گروه عادی، یافت گردید که حالات افسردگی در میان آنها کمتر است.»^(۱۰)

«بر پایه گزارشهای فردی شخصیت و دو دانش‌آموز تیزهوش دبیرستانی و یکصد و شخصیت و دو همسال غیر تیزهوش، آشکار شد که آنها خود را خوشحال‌تر می‌دانستند و دست به رفتارهای خطر جویانه بیشتری می‌زدند.»^(۵)

چنان که این مطالعات به طور تلویحی نشان می‌دهند، «افسردگی»، عاملی بازدارنده از پیشرفت تحصیلی است. علاوه بر آن، زمینه فعالیت‌های مخاطره جویانه در تیزهوشان نوجوان و جوان، مانع دیگری از نیل به پیشرفت تحصیلی است.

پس «آمادگی روانی» به معنای تسهیل شرایط متعادل درونی است تا زمینه «پیشرفت

تحصیلی» و در پی آن بلوغ حرفه‌ای فراهم آید.

سازگاری محیطی

مقصود از «سازگاری محیطی» وجود هم‌نوایی و تفاهم با محیط‌های خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است. بی‌تردید پدیده ضعف تحصیلی با سازگاری تحصیلی و اجتماعی اندک، مرتبط است. چنان‌که در بررسی وضعیت تحصیلی پنج‌گروه از دانش‌آموزان آلمانی، این قاعده حاصل شده است:

«وضعیت یکصد و پنجاه و یک تیزهوش تحصیلی دختر و پسر آلمانی با هوشبهر بالاتر از یکصد و سی و پنج و یکصد و سی و شش دانش‌آموز عادی با هوشبهر یکصد و دو، مورد مطالعه قرار گرفت. گروه‌های مطالعاتی شامل تیزهوشان کم‌آموز، تیزهوشان بسیار پیشرفته در سطح عالی، تیزهوشان بسیار پیشرفته، دانش‌آموزان پیشرفته غیرتیزهوش و دانش‌آموزان بسیار پیشرفته غیرتیزهوش، می‌گردید. نتایج مطالعه نشان داد که ضعف تحصیلی با سازگاری آموزشگاهی و اجتماعی پایین، مرتبط است.»^(۷)

علاوه بر آن، رابطه کمی میان استعداد تحصیلی و سازگاری روانی و اجتماعی وجود دارد: «مطالعه دانش‌آموزان تیزهوش دوازده تا هفده ساله از لحاظ وضعیت هوش، اضطراب و شخصیت نشان داد که همبستگی مزبور بسیار اندک است.»^(۹)

از سوی دیگر پژوهشهایی وجود دارند که براساس گزارش‌های فردی و خانوادگی بر مهارت‌های اجتماعی بیشتر تیزهوشان دلالت می‌کنند:

«براساس گزارش فردی دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با همسالان عادی، آنها خود را در مهارت‌های اجتماعی، برتر می‌دانستند و این دیدگاه با عقیده معلمان آنها بسیار نزدیک بود. علاوه بر آن، مسئولیت‌پذیری کمتری در خانواده نشان می‌دادند.»^(۵)

«بررسی وضعیت کودکان تیزهوش در مقایسه با همسالان غیرتیزهوش، مشخص می‌کند که مهارت‌های اجتماعی آنها در ارتباط با والدین و معلمان بیش از گروه مقایسه‌ای است.»^(۱۰)

محتویات این پژوهشها به خوبی روشن می‌کنند که گرچه استعداد تحصیلی با «سازگاری اجتماعی» رابطه اندکی دارد؛ اما برای تحقق پیشرفت تحصیلی، وجود مهارت‌های اجتماعی با محیط (خانواده، معلمان و مدرسه) ضرورت دارد. هرچاکه کفایت تحصیلی دیده شود، معمولاً همراه با مهارت‌های اجتماعی در حد کافی است.

آمادگی تحصیلی

برای تحقق پیشرفت تحصیلی، وجود استعداد و توانایی تحصیلی، یک امر لازم محسوب می‌گردد. یکی از طرق تقویت وضعیت تحصیلی از جانب خود دانش‌آموزان تیزهوش، واریسی و تحلیل میزان و ماهیت و نوع ضعف تحصیلی است که فرد با وی دست به گریبان است:

«نتایج اجرای یک برنامه ویژه برای رفع ضعف تحصیلی در میان هفده دانش‌آموز تیزهوش هشت تا سیزده ساله، خوشایند و مثبت بود. یکی از تدابیر اساسی این برنامه، واریسی ماهیت ضعف تحصیلی از سوی خود دانش‌آموزان بود.»^(۳)

با این توضیح، شناخت دقیق استعداد تحصیلی و نوع ضعف تحصیلی به وسیله دانش‌آموزان به تقویت «آمادگی تحصیلی» آنها یاری می‌دهد و شرایط را برای پیشرفت تحصیلی در آن حوزه فراهم می‌آورد.

هویت‌یابی شغلی

«هویت شغلی» اشاره به وجود چهار خصیصه اساسی دارد: الف) شیفتگی نسبت به ماهیت آن شغل ب) وجود فعالیتها و مهارت‌های حرفه‌ای مساعد ج) ارزشگذاری و احترام فراوان به آن فعالیت شغلی د) وجود حمایت محیطی و تعامل ضروری با اجتماع.

آماده‌سازی شرایط شغلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان، زمینه پیشرفت تحصیلی آنها را مساعد می‌کند. پژوهشها نشان می‌دهند که

«آشنایی دانش‌آموزان تیزهوش نوجوان با پیامدهای شغلی رشته‌های تحصیلی آنها، موجب افزایش پیشرفت تحصیلی شده است»^(۱).

به نظر می‌رسد که آشنایی با این پیامدها، کم و بیش به ارتقای سطح هویت حرفه‌ای، مساعدت می‌نماید.

«در بررسی هویت شغلی یکصد و سی و شش پسر و دویست و سی دختر تیزهوش دبیرستانی یافت شد دانش‌آموزانی که دارای شغل آزمایشی در دبیرستان بودند، هویت حرفه‌ای بالاتر نشان دادند. هویت شغلی به همخوانی انتخاب تخصص علمی در سطح دانشگاه نیز مرتبط است.»^(۹)

گرچه آماده‌سازی شرایط اشتغال آزمایشی در دوران تحصیلی متوسطه به مدارس مرتبط

است، اما خود دانش‌آموز تیزهوش نیز در این امر، سهم بسزایی دارد. تحقق حداقل سه خصیصه (شیفتگی، فعالیتهای مساعد، و ارزشگذاری) هویت حرفه‌ای، به شخص دانش‌آموز تیزهوش مربوط می‌شود. بنابراین نقش فردی تیزهوشان در تقویت هویت شغلی و در پی آن، پیشرفت تحصیلی، امری محرز و روشن است.

خودنظم‌جویی

پیشرفت تحصیلی بدون وجود احساس مسئولیت شخصی دانش‌آموز در نقش تحصیلی، امکان‌پذیر نیست انجام فعالیتهای تحصیلی منظم به طور مستقل و انتظاری، «خودنظم‌جویی» نام می‌گیرد. این ویژگی می‌تواند شرایط را برای تحقق پیشرفت تحصیلی فراهم آورد: «تدبیر محوری یک برنامه ویژه در جهت رفع ضعف تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش، انجام راهبردهای خودنظم‌جویی در میان آنها بود که نتایج مثبت و درخشانی در پی داشت.»^(۳)

بنابراین فعالیتهای تحصیلی مستقل و انفرادی در یک خط مشی نظام یافته به پیشرفت تحصیلی می‌انجامد. تحقق چنین فعالیتی، مستلزم وجود حداقل دو ویژگی است که هر دوی آنها کم و بیش در میان دانش‌آموزان تیزهوش یافت می‌شوند: خودباوری مثبت و انگیزه درونی نیرومند. «از طرفی می‌دانیم که خودباوری اگر ضعیف باشد، به ضعف در تحصیل می‌انجامد:

«بررسی وضعیت تحصیلی پنج گروه از دانش‌آموزان تیزهوش و عادی نشان داد که ضعف در ارتباط با ویژگیهای شخصیتی نیز می‌باشد.»^(۷)

«تأثیر انگیزه درونی و خودباوری (برداشت از لیاقت شخصی) بر پیشرفت تحصیلی مطالعه گردید. در این مطالعه، تیزهوشان پایه‌های دوم و سوم تحصیلی مشارکت جستند و ابزارهای انگیزش درونی، خودباوری و پیشرفت تحصیلی در آغاز و پایان یک سال تحصیلی اجرا گردیدند. روشهای تحلیلی ویژه نشان داد که انگیزه درونی، برداشت از صلاحیت شخصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این خودباوری به نوبه خود به پیشرفت تحصیلی می‌انجامد.»^(۶)

بنابراین برداشت دانش‌آموز از لیاقت و صلاحیت شخصی اش - تحت تأثیر انگیزه درونی - شرایط را برای پیشرفت تحصیلی فراهم می‌کند و شرایط مزبور، در واقع همان اقدام برای «خودنظم‌جویی» است.

به طور کلی برداشت از لیاقت و صلاحیت شخصی برای تحقق پیشرفت (اعم از تحصیلی و غیره) شرطی لازم است. چنان که مطالعات مربوط به بررسی انگیزه پیشرفت، آن را مورد تأکید قرار می دهند:

«پژوهش بر روی انگیزه پیشرفت و دانش آموزان تیزهوش از چشم انداز شناخت اجتماعی انجام گرفت. این تحلیل برخی از ساختارهای مرتبط و متمرکز بر انگیزه پیشرفت را مورد بحث قرار می دهد: کفایت و لیاقت برداشت شده، اسنادها، جهتگیریهای مربوط به هدف، انگیزه درونی. استنباط می شود که چشم انداز شناخت اجتماعی، چارچوب نظری مناسبی برای تحقیق بر روی فرایند انگیزشی است؛ فرایندی که در رشد هوشی و شخصیتی دانش آموزان تیزهوش و مستعد مؤثر است. علاوه بر آن وجود یک الگوی فرایند محوری بیش از الگوی ایستا و ثابت، برای تحقیق تیزهوش و انگیزه پیشرفت، توانایی دارد.»^(۴)

با این توضیح، «خودنظم جویی» در برگیرنده انگیزه درونی نیرومند و خودباوری مثبت است؛ از این رو باعث پیشرفت تحصیلی می شود.

نقش هدفمندی

چنان که بیان گردید، پیشرفت تحصیلی در شرایطی تحقق می یابد که آمادگیهایی از لحاظ روانی و تحصیلی فراهم شود؛ مقتضیات محیطی اعم از خانواده، مدرسه و جامعه به خوبی درک و شناخته شود و سپس فرد تیزهوش بتواند آمادگیهای خود را براساس نیازها و مقتضیات محیطی هماهنگ سازد. در این مسیر، درک و کشف هویت حرفه ای خاص خود، هماهنگی مزبور را تقویت خواهد کرد. این هماهنگی به طور ضمنی، مقتضی وجود یک هدف مشخص و روشن است که میان آمادگیهای روانی، تحصیلی و شغلی فردی با نیازها و مقتضیات محیطی پیوند ایجاد کرده است.

پس از آن، با بکارگیری راهبرد خودنظم جویی، هدف مزبور پی گیری می شود برای هرگونه پیشرفتی اعم از تحصیلی و غیره تهیه می گردد.

با بیان آنچه ذکر شد، استنباط می گردد که «هدفمندی» هسته مرکزی و محور اساسی پیشرفت تحصیلی است. همه شرایط محیطی اعم از خانواده، مدرسه و جامعه که به تقویت هدفمندی دانش آموزان تیزهوش یاری دهند، در واقع به پیشرفت تحصیلی آنها کمک

کرده‌اند.



منابع:

- ۱- کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۷۵). بینش و خلاقیت، مجله استعدادهای درخشان، سال پنجم، شماره اول (۱۷)
- 2- Baker, J. A. (1995). Depression and suicidal ideation among academically gifted adolescents. *Gifted Child Quarterly*, Vol 39 (4) , 218- 223.
- 3- Baum, S. M. ; Renzulli, J. S. & Hebert, Th. P. (1995). Reversing underachievement: Creative productivity as a systematic inter vention. *Gifted Child Quarterly*, Vol 39 (4), 224- 235.
- 4- Dai, D. Y. ; Moon, S. M. & Feldhusen, J. F. (1998). Gifted students: A social cognitive perspective. *Education Psychologist*, Vol 33 (2-3) , 45-63.
- 5- Field, T. ; Harding , J. ; Yando , R. & Gonzalez, K. et al. (1998). Feeling and attitudes of gifted students. *Adolescence*, Vol 33 (130) , 331- 342.
- 6- Goldberg M. D. & Cornell, D. G. (1998). The influence of intrinsic motivation and self-concept on academic achievement in second and third grade students. *Journal for the Education of the Gifted*, Vol 12 (2) , 176-205.
- 7- Hanses, P. & Rost, D. H. (1998). Das "Drama" der hochbegabten Underachiever "Gewöhnliche" oder "aussergewöhnliche Underachiever? *Zeitschrift fur Pädagogische Psychologie*, Vol 12 (1),53-71.
- 8- Leung, S. A. (1998). Vocational identity and career choice congruence of gifted and talented high school students. *Counselling Psychology Quarterly*, Vol 11 (3) ,325-335.
- 9- Oram, G. D. ; Cornell, D. G. & Rutenmiller, L. A. (1995). Relations between academic aptitude and psychosocial adjustment in gifted program student. *Gifted Child Quarterly*, Vol 39 (4), 236-244.
- 10- Robinson, N. M. ; Weinberg, R. A. ; Redd D. & Ramey, Sh. L. et al. (1995). Family factors associated with high academic competence among family former Head Start children. *Gifted Child Quarterly*, Vol 42 (3) , 148- 156.